

به بهانه اعتصاب غذا در ایران خودرو نقش اتحاد و همبستگی در جنبش کارگری

اعتصاب کارگران در ایران خودرو در نیمه اول تیرماه که فوران اعتراض کارگری نسبت به اضافه کاری اجباری، کمی دستمزد و سایر معضلات کارگری در ماه‌های اخیر بود، در حالی به وقوع پیوست که همکارانمان در بخش شمالی کارخانه کمتر از آن اطلاع پیدا کردند. جو پلیسی حاکم بر کارخانه یکی از علل اصلی بی‌خبری کارگران از این موضوع بود. اما این تمام موضوع نبود بلکه خود ما کارگران نیز در خصوص خبررسانی منفعل عمل کردیم. کارگران ایران خودرو دیزل (یکی دیگر از زیرمجموعه‌های گروه صنعتی ایران خودرو) متوجه این واقعه نشدند. این در حالی بود که کارگران در اطلاعیه‌ای برای اعتراض به وضعیت دستمزد و دیگر مطالبات تلنبار شده خواستار عدم استفاده از سرویسهای شرکت شده بودند.

کارگران اما، به آن اطلاعیه جواب مثبت ندادند. شاید بتوان گفت همان حس جمعی کارگری که ما را به اعتصاب غذایی پنج‌هزار نفره واداشت به ما می‌گفت که مجموعه کارگری به خاطر عدم اتحاد و همبستگی و فقدان کار آگاه‌گرانه موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

مسئولین کارخانه و عوامل حراست در سه شیفت کاری که کارگران اعتصاب کرده بودند با صدور اطلاعیه تهدیدآمیز، و از طرف دیگر با دادن وعده و وعیدهایی مبنی بر لغو اضافه کاری اجباری و افزایش دستمزد سعی در آرام کردن کارگران و بازگرداندن آنها به کار داشتند. در نشریه کارآمد بدون اشاره‌ای به اعتصاب کارگران به منظور پوشیده نگاه داشتن آن، این وعده و وعیده‌های مسئولان برای ترغیب کارگران به دست کشیدن از اعتصاب به تفصیل منعکس شده بود. نیروهای اطلاعاتی و حراستی نیز در سالن حضور علنی داشتند و به عناوین مختلف با تهدید و تشویق کارگران را به شکستن اعتصاب غذا تشویق میکردند. ولی به دلایلی که موضوع این نوشتار است اعتصاب غذا ادامه پیدا نکرد. حقیقت آن است که این اعتصاب غذا روی تولید و در واقع تولید ارزش اضافی که شریان اصلی تولید سرمایه و انباشت آن می‌باشد هیچ اثری نمی‌گذاشت و در نتیجه از سود صاحبان سرمایه کاسته نمی‌شد. سرمایه‌داران تنها از این نگران می‌شدند که این اعتصابات به چرخه تولید کشیده شود. تجمع کارگران در بیرون کارخانه به منظور عدم استفاده از سرویس هم‌گرچه در چرخه تولید اشکال به وجود نمی‌آورد تنها جنبه اطلاع‌رسانی آن بود که دولت و صاحبان سرمایه از آن می‌ترسیدند و برای جلوگیری از آن تدارکات لازم را دیده بودند. بنابر مشاهدات عینی نیروهای اطلاعاتی در خیابانهای اطراف پرسه می‌زدند و شنیده‌ها نیز حاکی از آن بود که نیروهای ضد شورش در حال آماده باش به سر می‌بردند.

به طور کلی صاحبان سرمایه از اعتصاب غذا و یا تجمع کارگران بیکار و اخراجی تا آنجایی که به اعتصاب در کار تولید نینجامد نگران نیستند. حتی تجمع کارگران و راهپیمایی کارگران بیکار و اخراجی در این سالها بارها به وقوع پیوسته ولی کمتر باعث بازگشت به کار کارگران شده است. اما صاحبان سرمایه و دولت با برنامه ریزی در طی چند سال بخشی از حقوقهای معوقه کارگران را پرداخت نموده و در بعضی موارد در زمان اخراج کارگران به جای سالی ۲ ماه سالی ۴ ماه سنوات کارگران را پرداخت نموده‌اند اما اصلی‌ترین هدف صاحبان سرمایه که اخراج کارگران بود عملی شده است. چه بسا بخشی از همین سرمایه‌داران به بهانه

پرداخت حقوق کارگران و یا پرداخت سنوات کارگران اخراجی وامهای میلیاردی گرفته و در بخشهای سود آور در خارج یا داخل سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

با وجودی که کارگران در این رابطه هزینه‌های زیادی متحمل شده‌اند، کشته و زخمی داده‌اند و بارها بر اثر حمله‌ی نیروهای ضدشورش مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته‌اند دستاوردهایشان تنها گرفتن بخشی از حقوق عقب‌افتاده بوده است.

در این مدت کارگران نتوانسته‌اند در جهت گرفتن حقوق بیکاری برای کارگران گامی برداشته و از حقوق بیمه بیکاری برخوردار شوند. به زبان دیگر نتوانسته‌اند از انباشت سرمایه که محصول اجتماعی کارگران است برخوردار شده و از این طریق بخشی از محصول نیروی کار اجتماعی طبقه کارگر را بازپس بگیرند.

این نوشتار بر آن نیست که مبارزات کارگران بیکار را که در این سالها توانسته‌اند جنبش کارگری را به عنوان یک نیروی اجتماعی مطرح کند نادیده گرفته یا فعالیت فعالین سیاسی اجتماعی و فعالین کارگری که در اطلاع رسانی به جنبش کارگری اثرگذار بوده‌اند را بی‌اثر بدانند. جنبش کارگران حقوق‌معوکه، قراردادی و کارگران اخراجی شروع خوبی داشته و در بعضی موارد هم آنجایی که اعتصابات، اعتراضات و تجمعات کارگری با حمایت کارگران اخراجی و کارگران شاغل همراه شده است و در چرخه تولید ارزش اضافی توقف به وجود آورده است سرمایه داران را به عقب نشینی وادار کرده است. اعتصاب و اعتراض کارگران ایران خودرو دیزل با حمایت کارگران رسمی توانست مدیران ایران خودرو را به عقب نشینی وادار کرده و از اخراج کارگران جلوگیری کند.

مبارزات پنجاه روزه کارگران ایران خودرو دیزل یکی از مبارزات موفقیت آمیز جنبش کارگری در سال- های اخیر است. علت اصلی پیروزی این مبارزات این بود که کارگران صاحبان سرمایه را تهدید به اعتصاب در تولید ارزش اضافی کرده و به آن جامعه عمل پوشانیدند؛ و آنگاه که کارفرمایان از اتحاد و همبستگی کارگران موقت رسمی شدند منطقی رئیس گروه صنعتی ایران خودرو به ایران خودرو دیزل رفت و به خواست کارگران گردن نهاد.

یا کارگران شرکت واحد نیز زمانی که سیستم حمل و نقل را از کار انداختند، صاحبان سرمایه در این بخش مجبور شدند خواست‌ها و مطالبات کارگران را پرداخت کنند. اعتصاب معلمان نیز (هر چند در پایان سال انجام گرفت و معلمان از بابت آن متحمل هزینه‌های زیادی شدند) در جنبش کارگری اثرگذار بود. کارگران هفت تپه از سال ۸۵ به انحای مختلف از جمله اعتصاب، اعتراض و تجمع برای خواست‌ها و مطالبات خود مبارزه کرده‌اند و در مواردی دستاوردهایی هم داشته‌اند. بارها جاده اندیمشک- اهواز را بسته و جلوی فرمانداری تظاهرات کرده‌اند اما پرواضح است که تا پیروزی و رسیدن به مطالبات خود راه زیادی در پیش دارند که حمایت و همبستگی کارگران شاغل خوزستانی از طریق اعتصاب و دست کشیدن از کار می‌تواند به پیشبرد آن کمک کرده و در نهایت صاحبان سرمایه و دولت را وادار به تمکین کند. کارگران خوزستانی همانند همتایانشان در ایران خودرو دیزل با دادن بیانیه پشتیبانی خود را از این کارگران اعلام کرده‌اند که چنین اعلامیه‌هایی می‌تواند در کارگران اعتصابی احساس همبستگی و اتحاد ایجاد نماید. اما فعالیت‌های اعتراضی کارگران زمانی می‌تواند کارساز و موثر باشد که چرخ تولید ارزش اضافی را از حرکت باز دارند. اعتصاب غذای کارگران یک حرکت دسته جمعی بخشی از کارگران بود که صاحبان سرمایه را سراسیمه کرد و برای جلوگیری از ادامه اعتصاب - به ویژه در بخش تولید - برای چند ماه مجبور به لغو اضافه‌کاری اجباری

گردیدند. این موضوع از یک سو نشانگر قدرت کارگران بوده و از سوی دیگر نمودار خواست‌ها و مطالبات انبوه کارگری است که سالهاست رویهم انباشته شده و بصورت خود به خودی در یک حرکت جمعی بروز پیدا کرده است. اما هر چند بخشهایی از تولید در چند شیفت در این اعتصاب (غذا) شرکت کردند اما اعتصاب-کنندگان در یک اجتماع واحد گردهمایی نکرده و به دیگر سخن قدرت جمعی خود را به نمایش نگذاشتند بلکه تنها از خوردن غذا خودداری کردند. حال سوال اینجاست که چرا ما کارگران ایران خودرویی اعتصاب غذا را به اعتصاب از کار گرده نزدیکیم؟

ما کارگران قبل از اعتصاب مسایل کاریمان را با حتی همسران خود در میان گذاشتیم که کار شاق خانه داری را به عهده دارند. بعضی از آنها علاوه بر کار خانه‌داری بدون مزد، بیرون از خانه هم کار می‌کنند. همان-ها که کار پرورش کارگران آینده را به عهده دارند. در واقع دستمزدی که ما می‌گیریم نیمی از آن متعلق به خانم خانه است. بسیاری از ما بعد از اعتصاب با کارگرانی که در بخش خانه‌داری کار می‌کنند از موفقیتها و شکستهایمان صحبت نکردیم و از آنها برای پیشبرد کار در آینده کمک نخواستیم. در صورتی که زنان خانه دار در دهه ۸۰ (۷۳-۸۰) با اعتراضات خود علیه مسئولین پیکان شهر که میخواستند کرایه منازل را بالا ببرند دست به تجمع زده و تا آنجا پیش رفتند که خواستند اتوبان را ببندند که با تمکین مسئولین کرایه منازل اضافه نشد. همین همسران ما بودند که در اعتراض به اضافه شدن کرایه منازل پرداخت آکورد شوهرانشان را خواستار شدند.

چرا از کارگران دیزل خودرو نخواستیم از ما حمایت کنند؟ چرا مشکلمان را با دیگر کارگران در میان گذاشتیم؟ چرا موقعی که می‌شنویم کارگری پس از ماهها دوندگی برای گرفتن دستمزدش کار به جایی نمی‌برد و زندگی را با مرگ طاق می‌زند صدای اعتراضمان بلند نمی‌شود؟ زمانی که کارگران به گلوله بسته می‌شوند گویی نه انگار که یکی از هم طبقه‌ایمان جانش را بر سر رفتن به سر کار گذاشته است. در صورتی که هرگاه هنرپیشه‌ای می‌میرد دغدغهای این را داریم که حتماً در مجالس ترحیم شرکت میکنیم! البته در اینجا قصد مخالفت با چنین کاری نیست، بلکه هدف این اشاره نمایاندن بی‌تفاوتی کارگران نسبت به مرگ مظلومانه‌ی کارگران می‌باشد؛ مردمانی که از خود مایند... و طبیعی است که مسئله‌ی آنان بایستی برایمان از اهمیت بالایی برخوردار باشد.

یکی از عواملی که مانع همبستگی و ایجاد تشکلات کارگری می‌شود استبداد سرمایه است و این مانع، آگاهانه برای سرکوب اعتراضهای کارگری اعمال شده و هر روزه روز بر دامنه جو سرکوب و اختناق افزوده می‌شود. اما این تمام مسئله نیست. کارگران آگاه و پیشرو در کارخانه‌ها میتوانند با صحبتهای شفاهی و دادن اطلاعات و اعلامیه کارگران را از وقایع کارگری داخل کارخانه و دیگر کارگران باخبر کنند. برای مثال خبر اعتصاب و خواست مطالبات کارگران لاستیک البرز را به گوش همکاران رسانده و ضرورت همبستگی و حمایت از کارگران هفت تپه را برای همکاران و دیگر کارگران ماشین‌سازی توضیح دهند.

همانطوری که در بالا آمد، نه قبل از اعتصاب غذا، نه در حین اعتصاب و نه بعد از آن با همسرانمان و همکارانمان صحبت نکردیم. قدرتمان را باور نداریم. این اعتصاب به طور خود به خودی به دنبال اطلاعیه‌ای شکل گرفت و هدفش اعتصاب غذا علیه اضافه کاری اجباری و کمی دستمزد بود که در این رابطه توانست مسئولین کارخانه به تمکین وادار کند. چندین هفته است که اضافه کاری اجباری لغو شده است. در رابطه با دستمزدها هم قول‌هایی داده‌اند که تحقق آنها در گروهی تداوم مبارزه کارگران است. اگر بینند با این مسایل

منفعل برخورد میکنیم، بار دیگر اضافه‌کاری‌های اجباری شروع خواهد شد و قول افزایش دستمزدها را زیر پا خواهند گذاشت. بارها همکارانمان را اخراج کرده‌اند اما با بی‌تفاوتی به این مسایل هیچگونه واکنشی نشان نداده و اعتراضی نکردیم. زمزمه اخراج کارگران پیمانکاری‌های پارس پاکان، ایفاجیکار، تهران پاکو و... شروع شده است. اگر در مقابل این اخراج‌ها بی‌تفاوت باشیم فردا به سراغ خود ما خواهند آمد. ابتدا قراردادی‌ها را هدف قرار می‌دهند و بعدش به سراغ بقیه خواهند رفت.

چه باید کرد؟ وزیر کار صاحبان سرمایه از یکی دو سال پیش در سخنرانی‌ها و صحبت‌هایش از قراردادی شدن کلیه کارگران سخن به میان آورد. این وزیر کار و صاحبان سرمایه برای بهره‌کشی از نیروی کار ارزان راهکارشان قراردادی کردن کلیه کارگران است که از چند سال پیش برای آن برنامه‌ریزی کرده‌اند. در این راستا بسیاری از کارگران رسمی را اخراج کرده‌اند. در ابتدا کمتر به کارخانه‌های بزرگ می‌رفتند. بسیاری از نساجی‌ها کارگران‌شان را اخراج کردند. مبارزات این کارگران برای برگشت به کار از حمایت کارگران شاغل برخوردار نبود. صاحبان سرمایه به تازگی به سراغ کارگران کارخانه‌های بزرگی چون ایران خودرو رفته‌اند که در بالا به آن اشاره شد. سرمایه‌داران و دولتشان به خوبی متحدانه برای بالا بردن سودشان و استفاده حداکثری از استثمار و بهره‌کشی از نیروی کار ارزان با برنامه‌ریزی به بسیاری از خواسته‌های خود رسیده‌اند. صاحبان سرمایه از کلیه امکانات مادی، سیاسی و فرهنگی برای سرکوب ما استفاده میکنند. آنجایی که نیاز به وارونه‌سازی فرهنگی با طبیعی جلوه دادن استثمار و بهره‌کشی باشد به ابزار فرهنگی متوسل می‌شوند. آنجا که نیاز به نیروی سرکوب باشد به عوامل سرکوب متوسل می‌شوند. در این مورد کلیه سرمایه‌داران جهانی و دولت‌هایشان با هم متحدند. تنها اختلافشان بر سر سهم‌بری از ارزش اضافی حاصل از نیروی کار است. ولی در سرکوب همگی متحدند. اما در این گوشه از جهان سرمایه ما کارگران بیشترین ارزش اضافی را برای صاحبان سرمایه تولید میکنیم و در عین حال دستمزد ما از میانگین دستمزد در سطح جهانی بسیار کمتر است. این در حالی است که گرانی و تورم هر روز گسترده‌تر و بیشتر میشود که خیل عظیم کارگران آماده‌به‌کار و ادارمان میکند برای زنده ماندن به هر کاری با هر دستمزدی تن بدهیم. اگر خط فقر در اول سال ۸۷ ششصد هزار تومان بود خط فقر در عرض شش ماه به نهصد هزار تومان یا بیشتر رسیده است. و درست در همین هنگام دستمزد نیروی کار در پایین‌ترین حد نسبت به خرید مایحتاج رسیده است.

مقابله با هجوم همه جانبه سرمایه‌داران اتحاد و همبستگی کارگران حقوق معوقه قراردادی و کارگران رسمی و شاغل را طلب میکند. همانطور که در بالا اشاره شد زمانی که کارگران شاغل به حمایت از کارگران قراردادی در ایران خودرو دیزل برخاستند و صاحبان کارخانه را تهدید به قطع تولید یعنی تولید ارزش اضافی کردند، شریان اصلی خون‌رسانی به سرمایه زیر ضرب رفت و مسئولین کارخانه به خواست کارگران تن داد. اتحاد و همبستگی کارگری چیزی نیست که از خارج به جنبش کارگری دمیده شود بلکه همبستگی و اتحاد کارگری یک امر ماهوی در جنبش کارگری است و زمینه اصلی این اتحاد کالایی به نام نیروی کار است. ویژگی این کالا آن است که تولید ارزش اضافی میکند، و این ویژگی از طریق درهم آمیزی با سرمایه بروز عینی پیدا میکند. کارگران در مقابل آن همه امکاناتی که سرمایه‌داران دارند، قدرتشان در تعدادشان است. کارگران لاستیک البرز در مبارزه‌شان برای جلوگیری از تعطیل شدن کارخانه و اخراج زمانی میتوانند زودتر و بهتر به اهدافشان برسند که از حمایت کارگران ایران خودرو دیگر کارگران شاغل برخوردار باشند. روزها و ماههاست که کارگران لاستیک سازی تجمع میکنند و به اشکال مختلف اعتراض خود را نشان می‌دهند. این

اعتراضات و تجمعات بر تولید ارزش اضافی خدشه‌ای وارد نمی‌کند زیرا این کارگران تولیدی ندارند که منجر به تولید ارزش اضافی گردد. اما اگر کارگران شاغل به حمایت از کارگران بلند شوند صاحبان سرمایه حساب کارشان را خواهند کرد. چون در این موقع تولید ارزش اضافی به خطر می‌افتد. اینجاست که اتحاد بین کارگران شاغل و حقوق معوقی، از فشار کار بر کارگران شاغل نیز میکاهد و از ترکتازی صاحبان سرمایه در مورد شدت کار و اضافه کاری اجباری میکاهد.

تغییرموانعی از قانون کار در یکی دو سال گذشته، زمینه‌های قانونی فشار و اخراج کارگران را فراهم کرده است. یکی از اهدافشان اخراج کارگران رسمی و به کارگیری کارگران موقت بود که تا حدود زیادی به این خواست رسیده‌اند. تغییر مواد قانونی کار برای تشدید کار و اضافه‌کاریهای اجباری همان کاری است که در اکثر کارخانه‌ها و از جمله ایران خودرو اعمال میشود. اعتصاب غذای کارگران ایران خودرو هم برای مقابله با چنین مسایلی بود.

حمایت از کارگران حقوق معوقی عیناً حمایت از خود کارگران شاغل است. کارگری که نسبت به همبستگی کارگری بیتفاوت است نمیتواند در مقابل اضافه کاری اجباری هم متحدانه عمل کند. برای رسیدن به یک همبستگی کارگری نیاز به کار فرهنگی و تبلیغی در میان همکارانمان میباشد. میتوان این کار را شفافاً یا از طریق نوشتن مقالات آگاهی‌دهنده انجام داد. توزیع خبرنامه کارگری نیز یکی از وسایل آگاهی‌رساندن به بدنه کارگری در کارخانجات است.

سخن آخر

توان و بضاعت اعتصاب غذا همان بود که در بالا به آن پرداختیم. انتظاری بیش از این از یک حرکت خودبه‌خودی که تا حدودی می‌توان گفت غافل‌گیرکننده بود، و بسیاری از همکاران ما از آن بی‌خبر ماندند، دور از واقعیت خواهد بود. اما خود این حرکت حاکی از نارضایتی عمیق کارگران از شرایط کاری و کمی دستمزد بود که با وجود جو پلیسی در کارخانه این حرکت جمعی به وقوع پیوست. اگر بخواهیم به مطالبات و خواست‌های خود برسیم، نیاز به ارتباط آگاهانه با دیگر همکاران برای بررسی قوت و ضعف اعتراض‌ها و اعتصاب‌های گذشته و استفاده از دستاوردهای دیگر کارگران داخل کشور و دیگر نقاط جهان یکی از راه‌هایی است که می‌تواند ما را در حرکت‌های اعتراضی بعدی یاری دهد. هر حرکت اعتراضی نیاز به آگاهی دارد و هرچقدر حرکت‌های ما آگاهانه‌تر باشد دستاوردهایمان نیز بیشتر خواهد بود. قدرت و توان ما در نیروی عظیم کارگری است و آنگاه می‌توانیم زودتر و بهتر به اهدافمان برسیم که آگاه و متشکل باشیم.

جمعی از فعالین کارگری داخل کشور

مهرماه ۱۳۸۷